

**Islamic jurisprudential analysis of the international Forex market,
relying on its prohibition in Iran's laws**

Somayeh Noori*
Amirhamze salarzaee**
Nader Mokhtariafraketi***

Received: 2019/04/23
Accepted: 2019/08/23

Foreign exchange trading or "Forex" is a decentralized global market in which currencies are traded in pairs and traders benefit from currency price changes. The ban on this market by the Iranian legislator should be taken into consideration. This article assesses the angles of these transactions by examining the nature of the Forex market and complaining about it in a descriptive analytical approach. The arguments presented based on the similarities of gambling transactions are reasons for the illegal Forex market. Because financial damage is not just for a trader and in turn affects many communities; several laws, including injunctions, bans on deception, profits in the country, etc., are the basis for analysis and evaluation. The article has been studied. With all of the above, not only religious status, but also the prohibition of these transactions is clear in Iran's law.

Keywords: Forex, Trading, Gambling, Doubts.

* Ph.D. Student, Faculty of Theology, Sistan and Baluchestan University, Sistan and Baluchestan, Iran. hadafmand1396@pgs.usb.ac.ir
** Professor, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran (Corresponding Author). Amir_hsalar@theo.usb.ac.ir
*** Assistant Professor, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran. dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir

تحلیل فقهی بازار بین‌المللی فارکس با تکیه بر ممنوعیت آن در قوانین ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۱

سمیه نوری*

امیرحمزه سالارزانی**

نادر مختاری افراکتی***

چکیده

تبادل ارز خارجی یا «بازار فارکس» یک بازار جهانی نامتمرکز است که در آن، ارزها به صورت جفتی معامله شده و معامله‌گران از تغییرات قیمت ارزها سود و زیان می‌کنند. ممنوعیت اعمال‌شده از سوی قانون‌گذار ایران بر این بازار، منجر به ارائه شبهات قابل تأملی شده است. این مقاله به منظور تحلیل زوایای فقهی این معاملات، با تحقیق در ماهیت بازار فارکس و شبهات وارده بر آن، به روش توصیفی - تحلیلی چنین ارزیابی می‌کند که استدلال‌های ارائه‌شده مبنی بر تشابهات کارکردی معاملات فارکس با ربا و قمار، به نوعی بیانگر علل عدم مشروعیت این بازار است. از آنجایی که ضررهای مالی حاصل از معاملات فارکس، به فرد معامله‌گر منحصر نبوده و در پی خروج بی‌رویه ارز کشور، جامعه را نیز به آشکال مختلف تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، قواعد فقهی متعددی از قبیل لاضرر، غرور، مصلحت نظام و...، مبنای تحلیل و ارزیابی واقع می‌شود که در این نوشتار به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با استناد به تمامی موارد گفته شده، نه تنها وضعیت فقهی، بلکه وجه ممنوعیت این معاملات در قانون ایران نیز مبرهن می‌گردد.

واژگان کلیدی: فارکس، معاملات، قمار، شبهه، قانون، ایران.

* دانشجوی دکتری، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

hadafmand1396@pgs.usb.ac.ir

** استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول).

Amir_hsalar@theo.usb.ac.ir

*** استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir

مقدمه

فارکس اصطلاحی لاتین و برگرفته از دو واژه «Foreign Exchange» در لغت به معنای تبادل ارز خارجی است. معامله در بازار فارکس به صورت خرید یک ارز و فروش ارزی دیگر در مقابل آن، به طور همزمان می‌باشد که مقادیری از این خرید و فروش به سبب روابط بین‌المللی نظیر خرید و فروش کالا، خدمات شرکت‌ها یا دولت‌ها، هزینه‌های سفر جهانگردان و مواردی از این قبیل انجام می‌گیرد (یوسفی مقدم، ۱۳۹۱، ص. ۲۵). اولین نسل از سیستم‌عامل‌های معاملاتی آنلاین فارکس در سال ۱۹۹۶ مشاهده گردید (Carmin, 2008, p. 12) و امروزه معامله به صورت روزافزونی و کاملاً مجازی به وسیله اینترنت انجام می‌شود (لطفی، ۱۳۸۵، ص. ۴۸). از بازار فارکس با عناوین دیگری مانند: «Retail Forex»، «Spot fx»، «Spot»؛ «FX» نیز تعبیر آورده می‌شود. سرمایه‌گذاران می‌توانند جهت معامله‌گری و سرمایه‌گذاری در این بازار با بهره‌مندی از وام‌های از پیش تعیین‌شده تا صد برابر موجودی خود اعتبار دریافت کرده و با سرمایه‌های کوچک به انجام معاملات بزرگ بپردازند (عباسی، ۱۳۸۴، ص. ۱). این در حالی است که پیش از توسعه سیستم فارکس در اواخر دهه ۹۰، تجارت فارکس به مؤسسات مالی بزرگ محدود بود (Betsy, 2008, p. 28). برخلاف دیگر بازارها، این بازار با فعالیت ۲۴ ساعته با گردش مالی ۱/۵ تریلیون دلار (۳۰ برابر حجم معاملات روزانه بازار سهام و اوراق قرضه و خزانه‌داری آمریکا) در روز همراه است (عباسی، ۱۳۸۴، ص. ۱).

عدم امکان تعیین حجم معاملات تجاری در این بازار از آنجایی که این بازار به طور غیرمتمرکز بوده و فاقد سازمان مرکزی برای تنظیم سفارشات است. از همین رو از فارکس با عنوان «بازار خارج از بورس» نیز یاد می‌شود (پاک مرام و یزدانی، ۱۳۹۰، صص. ۱۳۱-۱۵۰). شرکت در بازار فارکس صرفاً به منظور سفته‌بازی نبوده و هر یک از فعالان، با ایفای نقش خود، تمامیت این بازار را فراهم می‌کنند و همچون دیگر بازارهای مالی، تحلیل نوسانات قیمتی جفت‌ارزها در آن^۱، از طریق تحلیل‌های تکنیکال و بنیادی انجام می‌گیرد که نیازمند بررسی وضعیت سیاسی و اقتصادی هر دو ارز می‌باشد. به طور کلی، عوامل تأثیرگذار بر قیمت و نوسان ارز عبارتند از: نرخ بیکاری، سیاست‌های اقتصادی دولت و تراز تجاری آنها، سیاست‌های مالی و پولی بانک‌های مرکزی، تورم، و حتی ریسک‌پذیری و ریسک‌گریزی معامله‌گران. در حقیقت تغییر نرخ قیمت و نوسان در بازار فارکس تحت تأثیر

جدی عرضه و تقاضا قرار گرفته و عوامل مذکور اعم از نرخ بیکاری و... صرفاً مؤلفه‌های مؤثر بر تمایلات عرضه و تقاضاکنندگان به شمار می‌روند که به نوعی زمینه‌ساز تأثیر بر ارزش پول ملی کشورها می‌باشند (دلیلی و اسراری، ۱۳۸۳، ص. ۲۵).

با در نظر گرفتن فعالیت فارکس در داخل و خارج از کشور و با مدنظر قرار دادن فعالیت فارکس داخلی تحت نظارت بانک مرکزی، سخن در خصوص فارکس بین‌المللی است، لذا بحث از فارکس داخلی خارج از این نوشتار می‌باشد. بر اساس بررسی‌هایی انجام شده، آثاری با محوریت معاملات فارکس تألیف گردیده که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

کتاب «آشنایی با فارکس» به وسیله سعید دلیلی و نیشتمان اسدی در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده و در ضمن آن تلاش شده تا از بازار فارکس و نحوه فعالیت در آن مفهومی جامع ارائه شود.

مقاله «مقایسه بازار فارکس با بازار سهام» تألیف عسگر پاک مرام و مریم یزدانی، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۹۰، صفحات ۱۳۱-۱۵۰. پژوهش مذکور به مقایسه بازار فارکس با بازار سهام پرداخته است.

پایان‌نامه «جنبه‌های حقوقی معاملات فارکس» اثر نگین رسولی فتح‌آباد، دانشگاه شیراز، سال ۱۳۹۱. بررسی جنبه‌های حقوقی فارکس، مسئله‌ای است که در پژوهش انجام گرفته مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

دقت در تألیفات فوق‌الذکر و نظایر آنها، حاکی از آن است که بازار بین‌المللی فارکس از جنبه فقهی و با لحاظ ممنوعیت آن در قوانین ایران به گونه تخصصی مورد تحقیق واقع نگردیده است. لذا به جهت اهمیت تبدلات با محوریت فارکس در عرصه اقتصادی و با تأکید بر غیرقانونی بودن این فعالیت از منظر قوانین ایران، در این پژوهش تلاش می‌شود تا بازار بین‌المللی فارکس از جنبه فقهی و با تکیه بر ممنوعیت آن در قوانین ایران تبیین گردد. علی‌رغم عدم تصریح حکم فارکس از سوی شرع مقدس به دلیل مستحدثه بودن، تشابه بازار فارکس با ربا و قمار، فرضیه‌ای است که بی‌شک تحقیق در آن، راهگشای تبیین فعالیت در این عرصه خواهد بود.

۱. ماهیت بازار فارکس

برخی فارکس را از جمله عقود معینه و تحت عنوان معاوضه به شمار آورده‌اند (رسولی فتح‌آباد، ۱۳۹۱، ص. ۷۶)؛ با توجه به اینکه معامله در طی فرایند بازار فارکس از طرفی با استعمال اصطلاحاتی مانند خرید و فروش همراه می‌باشد و از سوی دیگر سخن از تبادل ارز مطرح است، لذا این معاملات را نمی‌توان به راحتی ذیل هر یک از عناوین بیع و یا معاوضه قرار داد. از جمله آثار این تفکیک را می‌توان در ترتب احکام جستجو کرد؛ چون هر یک از عقود از احکام مختص به خود برخوردار می‌باشد؛ به عنوان مثال برخی از اختیارات نظیر خیار تأخیر ثمن اختصاص به بیع داشته و در معاوضه راه ندارد، از همین رو اطلاق معاوضه و یا بیع بر بازار فارکس در ابتدا وضوح ماهوی بیع و معاوضه را می‌طلبد، روشن است که بدون شفاف‌سازی بیع از معاوضه، ابهام ماهوی این بازار نیز برطرف نخواهد شد.

۱-۱. تفکیک بیع از معاوضه

قانونگذار در ماده ۳۳۸ قانون مدنی بیع را چنین تعریف کرده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». در برخی از کتب فقهی، بیع به مبادله اعم از کالا یا وجه نقد با عوض مشخص تعریف شده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۵۳۸۸). از دیدگاه فقها، فقدان هر یک از ارکان ذیل، عدم اطلاق عقد بیع را نتیجه می‌دهد، این ارکان عبارتند از:

• **ایجاب و قبول؛** ایجاب انشای مقصد اصلی عقد و قبول انشای رضایت به ایجاب است، ایجاب به وسیله بایع و قبول توسط مشتری منعقد می‌گردد. فقیهان متقدم، ایجاب و قبول لفظی را در تحقق بیع شرط می‌دانند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۷)، این در حالی است که فقهای متأخر، برای لفظ موضوعیت قائل نبوده و بیع یا دیگر عقود را به هر صورتی که بیان‌کننده اراده و قصد متعاملین باشد، محقق می‌دانند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص. ۳۴۹). ماده ۱۹۱-۱۹۲ قانون مدنی از همین نظریه اخیر پیروی می‌کند.

• **متبایعین؛** بایع و مشتری رکن دیگر بیع به شمار می‌آیند که می‌بایست هر دو عاقل،

بالغ و رشید باشند. جمع این شرایط سه‌گانه، معامله‌گر را متصف به صفت کمال و دارای اهلیت معرفی می‌کند (حطاب رعینی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۵).

• مبیع؛ مبیع خود تابع شرایطی است که عبارتند از: مالیت داشتن (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۹۲)؛ قابلیت خرید و فروش داشتن؛ معلوم بودن و قابلیت تسلیم داشتن (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۹۵-۹۶).

• ثمن؛ چنانچه ثمن معامله پول باشد، بایستی از حیث مقدار و سایر شرایط، خالی از هرگونه جهل یا ابهام، در زمان عقد معلوم باشد. در صورت کالا بودن ثمن معامله، تمامی شرایط برشمرده شده برای مبیع، بر آن حاکم خواهد بود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۳۸۸).

به تبع فقها، قانونگذار در بیان ارکان صحت معامله در ماده ۱۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد، برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

۱- قصد طرفین و رضای آنها،

۲- اهلیت طرفین،

۳- موضوع معین که مورد معامله باشد،

۴- مشروعیت جهت معامله.

مقصود از صحت، مترتب شدن آثار قانونی آن معامله است. بر این اساس از نظر حقوقی، شرایط مزبور، جزو ارکان تشکیل‌دهنده عقد به شمار رفته و با فقدان هر یک از آنها، معامله بلااثر و فاسد قلمداد می‌شود (امامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۶).

ماده ۲۱۲ همان قانون، بطلان معامله به وسیله فقدان هر یک از اوصاف سه‌گانه عقل، بلوغ و رشد را تبیین می‌کند.

مطابق ماده ۶۶۴ قانون مدنی: «معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی را به عوض مال دیگر می‌دهد که از طرف دیگر اخذ می‌کند، بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد».

معیار کلی تمییز بیع از معاوضه را می‌توان در توجه به قصد طرفین عقد و عرف جستجو کرد، چنانچه در طی داد و ستد، مبادله کالا با کالا و یا پول با پول انجام گیرد، چنین عقدی در قالب معاوضه خواهد بود، اما در صورت مبادله کالا با پول، عنوان بیع

صدق می‌کند. به عبارت دیگر اگر قصد یکی از متعاملین بر مبنای این باشد که مالیت مالش را در ضمن هر کالایی که باشد حفظ کند و از این طریق تحصیل سود نماید (مانند تجار) و قصد طرف مقابل بر این قرار گیرد که صرفاً نیاز خود را رفع کند، در این صورت شخص اول، بایع و شخص دوم مشتری تلقی می‌شود (شکاری، ۱۳۸۰، ص. ۲۸). به عبارت سوم چنین می‌توان گفت که تمییز بیع و معاوضه وابسته به قصد مشترک طرفین عقد است، اگر آنان دو کالا و یا پول را بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه امتیازی با یکدیگر مبادله کنند، چنین توافق و دادوستدی مشمول عنوان معاوضه قرار می‌گیرد، اما در صورتی که اراده آنان بر این باشد که یکی از دو عوض مبیع و دیگری بهای آن باشد، قرارداد منعقد شده عنوان بیع را خواهد داشت (کیخا و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۱).

۲-۱. تحقیق در بیع بودن معاملات فارکس

با در نظر گرفتن آنچه گذشت، اکنون این سؤال مطرح است که معاملات واقع شده در فضای فارکس مشمول کدام یک از عناوین معاوضه و یا بیع واقع می‌شود؟ فعالان و یا به عبارتی تشکیل‌دهندگان بازار فارکس عبارتند از معامله‌گر^۲ بازارساز^۳ و کارگزار^۴. معامله‌گران با توجه به جو بازار و با به‌کارگیری تحلیل‌های بنیادی و تکنیکی مبتنی بر اخبار اقتصادی، به تبادل ارز اقدام می‌نمایند. مکانیزم فارکس این‌گونه است که یک کارگزار به عنوان واسطه میان بازار و معامله‌گر، در نرم‌افزار ارائه‌شده اختصاصی خود، با به نمایش‌گذارن نرخ ارز به طور لحظه‌ای، عهده‌دار انتقال سفارش‌های معامله‌گر به بازار جهانی می‌شود (دلیلی و اسراری، ۱۳۸۳، ص. ۲۵). با لحاظ نمودن مکانیزم فارکس، به نظر می‌رسد که، بیع به شمار آوردن این معاملات وجیه‌تر است؛ زیرا:

اولاً. بخش اعظم معاملات ارزی به خرید و فروش نقدی و لحظه‌ای ارز^۵ مرتبط است. روند این معاملات از طریق کارگزار و یا معامله‌گر و به صورت خرید و فروش جفت‌ارز - مثلاً یورو^۶ و دلار یا پوند انگلیس و ین ژاپن^۷ - صورت می‌گیرد. هر جفت‌ارز در هر لحظه، دو قیمت مختلف داشته؛ یکی قیمتی است که معامله‌گر بر حسب آن می‌تواند ارز را خریداری کند که در اصطلاح به آن «Ask» اطلاق می‌شود و دیگری نرخ فروش ارز است که به آن «Bid» می‌گویند. از تفاوت این دو قیمت تحت عنوان (Spread) تعبیر آورده می‌شود که نرخ‌های آن از کارگزاری به کارگزار دیگر

تفاوت دارد و در حقیقت، این تفاوت قیمت، همان هزینه‌ای است که معامله‌گر به منظور انجام معامله پرداخت می‌کند (یوسفی مقدم، ۱۳۹۱، ص. ۲۵).

ثانیاً؛ معامله‌گر در بازار فارکس دنبال‌کننده دو هدف است: الف) ابتدا فروش در نرخ بالا و سپس خرید در نرخ پایین، ب) ابتدا خرید در نرخ پایین و سپس فروش در نرخ بالا (عباسی، ۱۳۸۴، ص. ۱). در مورد نخست، هدف معامله‌گر از فروش ارز اول، به دست آوردن درآمد بیشتر است و این درآمد بیشتر در قالب خرید ارز دوم حاصل می‌شود. در مورد دوم، یعنی خرید در نرخ پایین و فروش در نرخ بالا، معامله‌گر در واقع این انتظار را دارد که ارز فعلی خریداری شده، در معامله بعدی بیشترین سود را داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت که در معاملات فارکس، یک ارز به عنوان مبیع و ارزی دیگر، به عنوان ثمن تبادل می‌شود؛ از همین رو قول به بیع بودن معاملات فارکس ترجیح می‌یابد.

تفاوت فارکس با بیع مصطلح از آن جهت است که بنابر طبیعت معاملات فارکس، طرفین معامله ارتباط مستقیم و رودرروی یکدیگر نداشته و معاملات به گونه غیابی و صدور قرارداد الحاقی به وسیله بانک‌های عامل عرضه می‌شود؛ لذا به همان اندازه که امکان تحقق شرایط معامله در فارکس وجود دارد، بالتبع همین امکان نسبت به عدم تحقق این شرایط وجود دارد. علت اصلی این احتمال دوسویه، مجازی بودن فضای این فعالیت است. متأثر از این فضای معاملاتی، امکان و یا عدم امکان احراز شرایط متعاقدين از قبیل عقل، بلوغ، قصد و اختیار و حتی حیات، به صحت یا عدم صحت بیع برمی‌گردد و تأثیری در اطلاق و یا عدم اطلاق بیع بر این معاملات ندارد. به دلیل همین ویژگی مجازی بودن، فارکس با عقود متعارف در عصر تشریح تفاوت‌های دیگری نیز دارد، از جمله اینکه ایجاب و قبول عقد، لفظی نبوده و با فاصله منعقد می‌شوند، ضمن اینکه مراحل خرید و فروش ارز، به واسطه نرم‌افزار الکترونیکی است که خالی از قصد و انگیزه می‌باشد. البته برخی از این موارد از جهاتی توجیه‌پذیر است؛ زیرا زمانی که معامله‌گر با کارگزار ارتباط برقرار نموده و حسابی با نام خود افتتاح می‌کند، این اقدام از قصد طرفین و رضای آنها به شرایط معامله نشأت می‌گیرد، در حقیقت چنین فردی با مدنظر قرار دادن تحلیل اقتصادی و شرایط بازار، منتظر فرصتی است که به انجام معامله اقدام کند. نیز از

آنجایی که موضوع معامله بر روی صفحه اطلاعات، در دسترس قرار گرفته، معامله‌گر با علم و اطلاع کافی به انجام معامله با موضوع معین مبادرت می‌نماید.

با ترجیح بیع نامیدن معاملات فارکس، ذکر این نکته ضروری است که در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱۶ فعالیت کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بازار بین‌المللی فارکس از سوی سازمان بورس اوراق بهادار، غیرقانونی اعلام گردید.^۸ بر طبق بند ۱ ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار: «هر شخص که بدون رعایت مقررات این قانون تحت هر عنوان به فعالیت‌هایی از قبیل کارگزاری، کارگزار/ معامله‌گری، یا بازارگردانی که مستلزم أخذ مجوز است مبادرت نماید یا فرد را تحت هر یک از عناوین مزبور معرفی کند به حبس تعزیری از یک تا شش ماه، یا به جزای نقدی معادل یک تا سه برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل شده یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

در بیان تشریح علت ممنوعیت یاد شده، از جنبه فقهی شبهاتی مطرح است، از همین‌رو منقح ساختن ممنوعیت فارکس، تحلیل بیشتر هر یک از این شبهات را می‌طلبد که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود:

۲. شبهات وارده بر فارکس

۲-۱. شبهه ربوی بودن فارکس

برخی از فقها ممنوعیت اعلام شده را متأثر از ربوی بودن بخش‌هایی از معاملات فارکس دانسته‌اند، یعنی اعتباری که کارگزار به معامله‌گر می‌دهد و بر مبنای آن، خرید و فروش ارز صورت می‌پذیرد را به نوعی قرض به شمار آورده‌اند و از آنجایی که خود کارگزار، پس از تحقق معامله دریافت‌کننده سود است، چنین معامله‌ای را منجر به ربای قرضی^۹ دانسته‌اند.

ربای قرضی در موردی است که فردی، پول یا جنسی را به دیگری قرض می‌دهد، سپس زائد بر آنچه را که قرض داده دریافت می‌کند. به منظور تحقق این قسم از ربا، شرط نیست که مقدار زائد، عین جنسی باشد که به قرض داده می‌شود؛ بلکه هر آنچه که منفعت بر آن اطلاق می‌گردد، مشمول ربای قرضی خواهد بود. در اصطلاح گفته می‌شود: «كُلُّ مَا يَجْرُ نَفْعًا؛ یعنی هر آنچه که در بردارنده نفعی باشد، ربا به شمار می‌رود (خمينی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۳۸).

با این توضیح روشن می‌شود که واگذاری اعتبار به معامله‌گر توسط کارگزار، که به

منظور ایجاد فرصتی جهت خرید معامله‌گر صورت می‌پذیرد را می‌توان نوعی قرض برشمرد، طبق این مبنا هر گونه نفعی که به کارگزار تعلق بگیرد حکم ربای قرضی را پیدا می‌کند. مسلم است که مشروعیت تحقق معامله با شیوه مذکور محل تأمل واقع می‌شود. حکم ربای قرضی به موردی که معامله بر مبنای شرط نامشروعی صورت پذیرد نیز تعمیم داده می‌شود، لذا عمل بر طبق چنین شرطی، مانع از انعقاد و صحت معامله خواهد بود؛ مانند جایی که در یک معامله با صاحب سرمایه این‌گونه شرط شود که در زمان عدم امکان سود و یا امکان سوددهی کمتر، با قرض دادن سرمایه به بانک یا مؤسسه‌ای، سود دریافت نماید؛ به گفته برخی، این مورد نیز مشمول ربای قرضی و حرمت آن می‌گردد.^{۱۰} اگر سرمایه‌گذاری در بانک یا مؤسسه‌ای از باب قرض باشد، عمل مزبور مصداق ربای قرضی خواهد بود، چون علاوه بر اصل سرمایه، سودی زاید بر آن حاصل می‌شود، اما چنانچه سود حاصل در مقابل کارکرد اقتصادی حاصل از سرمایه‌گذاری قرار گیرد توجیه شرعی دارد. بدیهی است که با تنظیم چنین قراردادی، بانک‌ها و مؤسسات نه به عنوان تاجر، بلکه به عنوان یک سرمایه‌گذار و شریک صاحب سرمایه اقدام به فعالیت و کسب سود می‌کنند.

در مقام تطبیق این استدلال با شبهه ربوی بودن فارکس، به نظر می‌رسد که فارکس زمانی می‌تواند از شبهه ربوی بودن خالی باشد که هم در مقام قرار دادن سرمایه توسط کارگزار در اختیار معامله‌گر و هم در مقام سرمایه‌گذاری معامله‌گر در بانک‌ها و سایر مؤسسات در زمان فقدان و یا کاهش سوددهی، تمهیدات لازم اعمال شود، بدین صورت که:

الف) در مورد پرداخت سرمایه از طرف کارگزار به معامله‌گر: برای جلوگیری از ربوی شدن معامله در این حالت دو راه‌حل به ذهن می‌رسد: اول آنکه انتقال سرمایه بین کارگزار و معامله‌گر تحت عنوان مبلغ مشارکت در نظر گرفته شود، با این فرض سود حاصله می‌تواند به طرفین تعلق گیرد و یا آنکه در فرض انتقال سرمایه از کارگزار به معامله‌گر تحت عنوان قرض، سودی از سرمایه به کارگزار تعلق نگیرد.

ب) در مورد انعقاد قرارداد مابین مؤسسات و سرمایه‌گذار: بایستی به منظور مشروعیت این مشارکت، انعقاد چنین قراردادی بر مبنای یک فعالیت اقتصادی واقعی مانند مضاربه صورت پذیرد و اینکه سود حاصله بین بانک و سرمایه‌گذار به نسبت

تقسیم گردد، در غیر این صورت فعالیت مورد نظر می‌تواند مصداق ربا و مشمول حرمت گردد.

۲-۲. شبهه قمار بودن فارکس

شبهه دیگر آن است که فارکس، به دلیل فقدان رعایت جهت شرعیه^{۱۱}، می‌تواند عاملی برای مال‌باختگی افراد باشد، همان‌گونه که قمار از چنین تبعاتی برخوردار است. لذا مشمول ادله عام شرعی در باب معاملات نظیر وفای به عقود نمی‌گردد و حلیت ندارد. خداوند متعال در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟» ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید، همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست بر می‌دارید.

مستفاد از آیات فوق آن است که از جمله آثار قمار، کینه و ایجاد دشمنی و دوری از عبادت می‌باشد. در تفسیر نمونه از ایجاد هیجان، رابطه قمار با جنایات و ضررهای اقتصادی و اجتماعی به عنوان پاره‌ای از آثار قمار اشاره شده که شاید بتوان با برهان‌انی و به واسطه پی بردن از معلول به علت، این آثار را به منزله علت حرمت قمار دانست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۱۲۶-۱۲۹).

در واقع بسیاری از قماربازها، متأثر از افزایش درآمد مالی ناشی از این طریق، از تن دادن به کارهای اقتصادی امتناع نموده، و همین امر می‌تواند بحران اقتصادی چرخ‌های تولید را نتیجه دهد. به نوعی تمامی قماربازها و حتی افراد وابسته به آنان، سر بار جامعه بوده و بدون اینکه سودی داشته باشند، از دسترنج فعالان اقتصادی جامعه بهره‌مند می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۷۷).

در رابطه با شبهه قمار بودن فارکس، به نظر می‌رسد که قمار و فارکس از وجوه اشتراکی بسیاری برخوردارند و شاید قمار نامیدن معاملات فارکس، معلول همین

مشترکات باشد؛ چرا که مواردی چون قدرت ریسک‌پذیری همان‌طوری که جزء آثار قمار تلقی می‌شود اثر جدانشدنی فارکس نیز هست (Toedor, 2015, pp. 1700-1706)؛ به گونه‌ای که ورود به فارکس و ادامه فعالیت در آن، نیازمند مدنظر قرار دادن ریسک ذاتی این بازار و غیرقابل کنترل بودن نوسان‌های آن می‌باشد؛ حتی معامله‌گران حرفه‌ای نیز تا حد زیادی قادر به مدیریت معاملات خود نمی‌باشند (پاک مرام و یزدانی، ۱۳۹۰، صص. ۱۳۱-۱۵۰)؛ همچنین وضع قوانین مربوطه، مانند ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار، به منظور جلوگیری از خسارت و مال‌باختگی فعالان بازار فارکس، بدان معناست که فارکس نظیر قمار می‌تواند خسران و مال‌باختگی فعالان این عرصه را به همراه داشته باشد. در نتیجه می‌توان گفت که برخی از معایب مانند ضرر مالی و کاهش چرخه اقتصادی قابل تفکیک از بازار فارکس نبوده و به نوعی با فعالیت در این بازار قرین شده است.

لایف‌تک بودن معایب مذکور از آنجایی است که همان‌طوری که ذکر گردید طبیعتاً فارکس همراه با ریسک بالا بوده و هر لحظه احتمال سوددهی و ضرر می‌رود. از طرفی دیگر، سرمایه‌گذار به جای فعال نمودن سرمایه در چرخه اقتصادی، به دلیل انگیزه دستیابی به سود بیشتر با فعالیت کمتر، سرمایه‌گذاری در بازار فارکس را ترجیح می‌دهد، نتیجه این سرمایه‌گذاری خروج بخش عظیمی ارز، از کشور است که این جابه‌جایی ارز، توسط هیچ ارگان دولتی قابل نظارت نمی‌باشد. نظر به احتمال دوسویه سود و زیان، به عنوان عنصر مشترک بازار فارکس و قمار، تلاش برای سوددهی بیشتر تا حدی است که ممکن است معامله‌گر و قمارباز به منظور جبران ضرر وارده و دستیابی به سود، آنچنان پیش روند که نه تنها ضرر حاصل شده جبران نگردد، بلکه بیش از پیش متحمل خسارت گردند.

در بیان تفاوت فارکس و قمار این نکته قابل ذکر است که شخص قمارباز غالباً با استناد به فریب و خدعه و با تکیه بر شانس اقدام به بازی قمار می‌کند، حال آنکه فعالان بازار فارکس، گذشته از مجازی بودن فضای آن، با تکیه بر تجربه و دانش به فعالیت می‌پردازند و به نوعی توانایی هر معامله‌گر است که منجر به سوددهی یا زیان او می‌شود، از همین رو تمامی معامله‌گران فارکس از این جهت تقریباً از فرصت‌های یکسان برخوردارند که این خصیصه در بازارهای دیگر کمتر مشاهده می‌گردد. می‌توان گفت که برخلاف قمار، دو عنصر تکیه بر شانس برای منتفع شدن و نیز سببیت فارکس برای ایجاد خصومت اعتباری

ندارد. بنابراین با استناد به تنقیح مناط و وجود آثار مشترک میان قمار و بازار فارکس، ادعای قمار بودن و در نتیجه حرمت معاملات فارکس، خالی از قوت نمی‌باشد. علاوه بر شبهات وارده و با توجه به خصیصه بازار فارکس از جهت ورود ضرر و... با واکاوی در قواعد فقهی، مبانی عدم مشروعیت این معاملات به مراتب واضح‌تر می‌گردد.

۳. مبانی عدم مشروعیت معاملات فارکس

۳-۱. قاعده لاضرر

استناد به قاعده لاضرر در موضوع بحث، به روند کار در بازار فارکس برمی‌گردد، با این استدلال که علی‌رغم ورود معامله‌گران به این بازار پس از گذراندن دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و یا از طریق کسب آگاهی از دیگران، با توجه به پیچیدگی فعالیت در این بازار، تحقق ضرر امری مسلم است؛ چون خاصیت بازار فارکس و نوسانات آن، وقوع یکی از دو احتمال سود و یا زیان را می‌طلبد؛ البته در مواردی، ضرر حاصل شده به پیچیدگی‌ها و نوسانات بازار فارکس بر نمی‌گردد، بلکه با توجه به مجازی بودن این بازار، تحقق ضرر ممکن است که معلول مواردی چون ضعف زیرساخت‌های فنی کشور و اختلال در سرعت اینترنت باشد؛ به گونه‌ای که معامله‌گر پس از تحقیق از علت ضرر وارده از طریق کارگزار، مثلاً با این پاسخ روبرو می‌گردد که زیان واقع شده به علت عدم پاسخگویی به پیام ارسالی در زمان موردنظر تحقق یافته است؛ لذا وقوع ضرر به هر یک از اشکال مذکور و مانند آنها محتمل است.

به استناد روایت پیامبر (ﷺ): «لا ضرر و لا ضرار فی الدین» یا «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام»، قاعده لاضرر، ضررهای وارده را نفی می‌کند (رشتی نجفی، بی‌تا، ص. ۴). منقول است که در کتبی مانند ایضاح الفوائد، بر نفی ضرر و ضرار ادعای تواتر اخبار شده است (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص. ۳۷۰). استفاد از قاعده مذکور، عدم جعل حکم ضرری و اختصاص صدور حکم به غیر از موارد ضرری است (انصاری، بی‌تا، ج ۲، صص. ۵۳۴-۵۳۶). به عبارتی ضرر، نوعی نقص محسوب می‌شود (کمپانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۷۴۵)، در نتیجه مورد نهی واقع شده است. بنابراین می‌توان گفت که متبادر از قاعده لاضرر، منع از هر گونه ضرر ممکن‌الوجود است، پس همان‌گونه که حکم ضرری از سوی شارع ممنوع است، بالتبع، خسارات وارده و ضررهای موجود در خارج نیز بایستی

مرتفع و ممنوع گردند (مرعشی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص. ۱۹۳). حتی اگر کسی شبهات وارده بر معاملات فارکس را مورد انکار قرار دهد، لاقلاً بایستی عدم مشروعیت این معاملات را به استناد قاعده لاضرر بپذیرد؛ زیرا علی‌رغم استناد عدم جواز ورود ضرر به روایت پیامبر (ﷺ) که دلیل نقلی است، بناء عقلاً نیز بر منع از ورود ضرر دلالت دارد، علاوه بر دلیل نقلی و بناء عقلاً، حتی می‌توان نفی ضرر حاصل از معاملات فارکس را به حکم عقل نیز مستند دانست.

۳-۲. قاعده غرور

بر مبنای این قاعده که مستند به قول پیامبر (ﷺ) «المغرورُ یرجعُ إلی من غره» است، هر کسی موجبات فریب دیگری را فراهم کند، نسبت به شخص فریب خورده ضمانت دارد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۴۴۰).

بنای عقلاً در معاملات و دیگر اعمالشان بر همین امر قرار گرفته و در موارد تحقق فریب، رجوع فریب خورده به فریب‌دهنده را لازم می‌دانند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۳، ج ۱۱-۱۲، ص. ۱۴۸).

یکی از وجوه استدلال به قاعده غرور در بازار فارکس آن است که به دلیل عدم حضور فیزیکی متعاقدين در فضای مجازی، گاهی اوقات تبادلات ارزی نه به طور واقعی، بلکه به طور صوری انجام می‌شود؛ چرا که براساس نظر کارشناسان این عرصه، با توجه به امکان اعمال تغییرات در نرم افزار توسط افراد سودجو، نتیجه ایجاد چنین تغییراتی، عدم برقراری ارتباط میان معامله‌گر با بازار تبادلات ارزی خواهد بود. روشن است که با در نظر گرفتن فضای مجازی فارکس، پیگیری فریب وارده به سهولت انجام نمی‌گیرد؛ اما در فرض دسترسی به فرد متخلف، تحقق مسئولیت ناشی از عمل فریبکارانه، مستلزم وجود عناصر مادی و معنوی فریبکاری است؛ چرا که برخی از عناصر عمل فریبکارانه، به بعد مادی ناظر بوده و برخی نیز به بعد معنوی معطوف می‌باشد^{۱۲} و با وجود این عناصر در شخص فریبکار، با استناد به قاعده غرور، معامله‌گر حق استرداد خسارت حاصل از فریب را پیدا می‌کند. اما در فرض تضرر معامله‌گر در اثر بنا گذاشتن بر اطلاعات ارائه‌شده توسط کارگزار، که طبعاً عدم رضایت معامله‌گر را به همراه دارد، روشن است که عمل کارگزار، در صورتی که مجمع عناصر مادی و معنوی فریب باشد موجب تحقق مسئولیت

برای وی خواهد شد و با فقدان هر یک از این عناصر، موجب سلب مسئولیت می‌شود. به عنوان نمونه بی‌اطلاعی و عدم آگاهی معامله‌گر از متقلبانه بودن وسیله مورد استفاده کارگزار، اعم از نرم‌افزار ارتباطی و یا هر وسیله دیگری، شرط تحقق مسئولیت کارگزار است. در مقابل، آگاه بودن معامله‌گر به تقلبی بودن نحوه عمل کارگزار، سبب زوال وصف متقلبانه از عمل کارگزار می‌گردد.

سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا در تحقق فریب از ناحیه کارگزار، قصد فریب و ضرر زدن شرط است و یا اینکه به صرف ارائه گزارشات اشتباه ولو اینکه از روی عدم آگاهی باشد ضامن است؟

پاسخ به این سؤال در گرو واکاوی این مطلب است که آیا قاعده غرور صرفاً ناظر بر فریب‌دهنده عالم عامد است و یا در صورت جهل نیز این قاعده صدق می‌کند؟ چهار صورت محتمل است:

صورت اول: فریب‌دهنده و فریب‌خورده هر دو آگاه به فریب باشند.

صورت دوم: فریب‌خورده آگاه و فریب‌دهنده بی‌اطلاع از فریب است.

صورت سوم: فریب‌دهنده آگاه و فریب‌خورده بی‌اطلاع است.

صورت چهارم: فریب‌دهنده و فریب‌خورده هر دو بی‌اطلاع از فریب باشند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۱۵۴).

تردید در شمول قاعده «الْمَغْرُورُ يَرْجِعُ إِلَى مَنْ غَرَّهُ» نسبت به موردی است که معامله‌گر و کارگزار هر دو نسبت به عدم صحت و بی‌محتوایی گزارشات ارائه شده جاهل باشند. از آنجایی که عدم آگاهی فریب‌خورده به تحقق ضرر، شرط ثبوت ضمان به شمار رفته است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۴۴۸)، بنابراین جریان قاعده غرور نسبت به معامله‌گر، منوط به جهل وی به فریب خوردن می‌باشد. اما آیا در ناحیه کارگزار نیز علم وی شرط است یا خیر؛ وجود چنین شرطی محل تأمل است.

بر مبنای نظر آیت‌الله حکیم، اختصاص قاعده غرور به جایی است که فریب‌دهنده آگاه به فریب باشد (حکیم طباطبایی، بی‌تا، ص. ۲۶۹).

از دیدگاه سید کاظم یزدی، علم و آگاهی شخص فریب‌دهنده در تحقق غرور، دخالتی ندارد. ایشان در این باره می‌گوید: «بین حالت جهل و علم فریب‌دهنده تفاوتی نیست و این گفته نادرست است که در صورت جهل فریب‌دهنده، غرور تحقق نمی‌یابد»

(طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص. ۱۷۹).

بنابر قولی دیگر آنچه که حائز اهمیت است صدق تغیر می‌باشد؛ زیرا علم در صدق تغیر مدخلیتی ندارد. براین اساس پرداخت غرامت بر عهده فریب‌دهنده قرار می‌گیرد و این مسئولیت هم صورت جهل و علم فریب‌دهنده به فریب و ضرر و هم صورت جهل و علم او به عدم نفع را شامل می‌شود (حسینی شیرازی، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۰۰).

بجنوردی می‌گوید:

«اگر فردی با ترغیب دیگری به انجام فعلی و یا به هر شکل دیگری، موجبات تحمل ضرر او را فراهم نماید، حکم این قاعده شامل او می‌شود، خواه نسبت به وقوع ضرر جاهل باشد و یا به تحقق نفع معتقد باشد» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص. ۲۷۷ و ۲۷۹-۲۸۰).

شاید کسی در اینجا ادعای بالاتری داشته باشد و به منظور رفع ضمانت کارگزار استدلال کند که بر مبنای قاعده اقدام، می‌توان مسئولیت و عواقب ناشی از معاملات فارکس را از حیث حکم وضعی و نه حکم تکلیفی توجیه نمود، چون مجازات و تبعات ناشی از ورود به معاملات فارکس به وسیله قانون ابلاغ و اعلام گردیده و اقدام خود شخص، به جریان عواقب چنین فعالیتی منتهی می‌شود، اقدام به تبادل اطلاعات توسط معامله‌گر و ارسال مدارک به کارگزار، دال بر رضایت صریح وی می‌باشد و این رضایت و اذن، تبعات و لوازم آن را نیز شامل می‌گردد؛ چنین فردی که با اختیار خود، موجبات ورود ضرر بر خویش را محقق نماید، بایستی به آن گردن نهاده و عواقب آن را بپذیرد. از همین رو حکم حرمت فریب کارگزار به قوت خود باقی است، اما ضمانت وی را در پی نخواهد داشت.

در پاسخ به نظر می‌رسد که نکته قابل توجه در ماهیت حقوقی «اذن» آن است که اذن به خودی خود رافع ضمان نمی‌باشد. با در نظر گرفتن اینکه ماهیت اذن، رخصت در تصرف است، این رخصت اعم است از اینکه بدون ضمان و یا با رفع ضمان باشد، به عبارتی، اذن مالک اباحه تصرف مأذون را به همراه دارد، اما برطرف‌کننده مسئولیت وی نمی‌باشد، بدین معنی که نتیجه اذن مالک «اباحه همراه با ضمانت» است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۵ق، ص. ۳۰۳)، بنابراین در این مسئله اشتراط ضمانت فریب‌دهنده یعنی فرد کارگزار

به علم وی، از قوت بیشتری برخوردار می‌باشد؛ زیرا علم کارگزار، از جمله عناصر معنوی تحقق فریب محسوب می‌شود (حسینی و امیرپور، ۱۳۹۴، ص. ۷۹) و اقدام معامله‌گر نمی‌تواند رافع این ضمان باشد؛ بنابراین تنها در صورت عدم آگاهی کارگزار، عناصر فریبکارانه جرم فریب فراهم نبوده و ضمانتی مطرح نخواهد بود.

۳-۳. قاعده مصلحت نظام

مقصود از این قاعده، حفظ نظام از اموری است که از بین برنده هماهنگی و پیوستگی یک جامعه نظام‌مند باشد، این پراکندگی و از هم گسیختگی می‌تواند در اصل نظام اسلام، نظام اقتصادی و معیشت جامعه، نظام سیاسی و یا نظام اجتماعی به وجود آید. به طور کلی، این قاعده در مواردی که حیات اجتماعی و حفظ نظام نوع مردم مطرح باشد صدق می‌کند و اختلال در نظامات جزئی را شامل نمی‌شود (خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۵۴۰؛ خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص. ۲۶۴-۲۶۵). منظور از نظام اجتماعی اموری است که قوام مردم و جامعه بدان وابسته است، به طوری که اختلال در نظام اجتماعی، با اختلال در زندگی اجتماعی و معیشت مردم همراه است (جمال‌زاده و باباخانی، ۱۳۹۶، ص. ۶)؛ بنابراین اگر در قاعده حفظ نظام، مفهوم نظام به نظام کلان اجتماعی تعریف شود، معنای این قاعده، ضرورت به کارگیری تلاش در راستای امنیت، حفظ نظم و مصالح عمومی جامعه و پرهیز از ایجاد خلل خواهد بود (خمینی، ۱۴۲۳ق، ص. ۲۵).

قاعده مورد بحث دلیل مناسبی بر این مدعاست که تضرر حاصل از بازار فارکس، به جامعه نیز تعمیم داده می‌شود؛ زیرا همان‌طوری که اشاره گردید نتیجه اشتغال به این معاملات اثرات نامطلوبی را نسبت به فرد و جامعه خواهد داشت و عواقب آن در فرد معامله‌گر منحصر نخواهد بود؛ در حقیقت چنین فردی وجودی جدا از جامعه نداشته و از رابطه‌ای دوسویه با جامعه برخوردار است. بدین معنا که هم از محیط تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد، خواه این فعل و انفعال به صورت ارادی باشد و یا غیرارادی، طبق این استدلال، صرف ادعای استقلال و عدم ارتباط با جامعه از سوی معامله‌گر اعتباری ندارد؛ بدیهی است که اشتغال به مشاغلی مانند معاملات فارکس، علاوه بر کاهش ذخایر بانکی و عدم سرمایه‌گذاری در عرصه‌های اقتصادی کشور، با تبدیل معامله‌گر به فردی مصرف‌کننده، ساعت‌های بسیاری از وقت او را صرف دستیابی به اطلاعات مربوط

به تغییرات و تبادل نرخ ارز می‌کند. از همین‌رو استدلال به قاعده مصلحت نظام، همچون قاعده لاضرر، چنین پیامدهایی را منتفی می‌سازد.

نتیجه‌گیری

با ترجیح بیع بودن فارکس، در پاسخ به شبهه قمار بودن این معاملات، ترتب آثار قمار بر این بازار، امری مشهود تلقی می‌گردد. در مقابل وجه افتراق فارکس و قمار از آنجایی است که غالباً محوریت اصلی برای ورود به بازار فارکس، اعتماد بر تجربه، دانش و آگاهی است، اما بازی قمار با محوریت فریب و شانس، منجر به تضرر و یا سوددهی می‌شود. نظر به آثار مشترک قمار و فارکس؛ صرف عدم تصریح بر حکم معاملات فارکس در شرع مقدس به دلیل مستحدثه بودن، از شمول حکم قمار نسبت به آن ممانعت نمی‌نماید و به نوعی می‌توان مشروعیت معاملات فارکس را به دلیل ترتب آثار قمار و از باب تنقیح مناط محل تردید دانست. بررسی شبهه ربوی بودن فارکس نیز، امکان جریان ربا در این بازار را تحت شرایطی تأیید می‌نماید. گذشته از این، اشتغال به بازار فارکس، نه تنها وضعیت مالی خود فرد، بلکه نظام اقتصادی را در معرض تهدید قرار داده و با تبدیل چنین فردی به یک فرد مصرف‌کننده و عدم مبادرت وی به سرمایه‌گذاری داخلی و همچنین خروج بی‌رویه ارز کشور، موجبات تضرر حکومت اسلامی را فراهم می‌آورد که این جنبه نیز اقتضای تعمیم عدم مشروعیت معاملات فارکس را به استناد قاعده لاضرر و قاعده مصلحت نظام می‌طلبد. بدیهی است که در این‌گونه از معاملات، عدم حضور فیزیکی متعاقدين در فضای مجازی، زمینه‌ساز اغوای معامله‌گر بوده، خواه این فریب از ناحیه کارگزار مربوطه باشد و یا دیگران، لذا بازار فارکس از این جهت نیز مجرای قاعده غرور قرار گرفته و این قاعده جبران خسارت معامله‌گر را اقتضا دارد. روشن است که به دلیل حجم بالای تبادلات ارزی و عدم امکان نظارت و کنترل بر این بازار، در موارد چشمگیری، دسترسی به متخلف و پیگیری جبران خسارت وارده، امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ از همین‌رو حکومت نسبت به چنین فرایند پرمخاطره‌ای بی‌تفاوت نبوده، لذا هر چند که عدم مشروعیت معاملات بازار فارکس به استناد ادله گفته شده قابل اثبات است، اما می‌توان ممنوعیت معاملات این بازار در قانون ایران را متأثر از ادله گفته شده دانست.

۱. جفت ارز (به انگلیسی Currency Pair) دو ارز متفاوت است که در برابر هم معامله می‌شوند و قیمت یک ارز در برابر ارزی دیگر مشخص می‌شود.

2. Trader
3. Marker
4. Broker
5. Spot
6. EUR/US
7. GBP/JPY

۸. پلیس فتا، فارکس و دلایل غیرقانونی شدن آن در ایران:

news/3701/www.cyberpolice.ir

۹. قسم دوم ربا که از آن تحت عنوان ربای معاملی یاد می‌شود، در مواردی است که دو یا چند کالا با یکدیگر معاوضه شوند، مانند معاوضه یک کیلو گندم به دو کیلو گندم. بر این قسم، ربای جنس به جنس نیز اطلاق می‌گردد (خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص. ۲۳۸).

۱۰. ر. ک: پایگاه آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی جرایم اقتصادی در فضای مجازی:

<https://www.iranhoshdar.ir>

۱۱. ر. ک: فتاوی آیت‌الله مکارم شیرازی:

www.makaremshirazi.org/persian/estefat/?&sid=17611

۱۲. عناصر مادی فریبکاری بدین شرح می‌باشد: الف) رابطه علیت؛ ب) تحریک فریب‌خورده؛ ج) عمل خدعه‌آمیز؛ د) ورود ضرر و خسارت. عناصر معنوی فریبکاری نیز عبارتند از: الف) دخالت انگیزه؛ ب) علم؛ ج) قصد؛ د) فریب خوردگی (حسینی و امیرپور، ۱۳۹۴، ص. ۷۹).

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. امامی، حسن (بی‌تا). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامیه.
۳. انصاری، مرتضی (بی‌تا). قاعده لا ضرر و البید و الصحة و القرعة (فرائد الأصول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. بحرانی (آل عصفور). یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. پاک مرام، عسگر و یزدانی، مریم (۱۳۹۰). «مقایسه بازار فارکس با بازار سهام». مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۹ و ۱۰، صص. ۱۳۱-۱۵۰.

۶. جمال‌زاده، ناصر و باباخانی، مجتبی (۱۳۹۶). «کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی (رحمة الله علیه)». دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی. سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۵-۴۰.
۷. جمعی از مؤلفان (۱۳۸۳). *مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام) (فارسی)*. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۸. حسینی شیرازی، محمد (۱۴۱۳ق). *الفقه، القواعد الفقهیه*. بیروت: مؤسسه امام رضا(علیه السلام).
۹. حسینی، سیدمحمد و امیرپور، حیدر (۱۳۹۴). *تحلیل فقهی و حقوقی عملیات فریبکارانه در تعاملات بین شخصی*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۰. حسینی روحانی، صادق (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق (علیه السلام)*. قم: مدرسه امام صادق(علیه السلام).
۱۱. خطاب رعینی، محمد (۱۴۱۶ق). *مواهب الجلیل*. بیروت: بی‌نا.
۱۲. حکیم طباطبایی، محسن (بی‌تا). *نهج الفقاهه*. قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
۱۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹). *القواعد الفقهیه و الاجتهاد التقليد (الرسائل)*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۴. خمینی، روح‌الله (۱۴۰۹ق). *کتاب الطهاره*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(رحمة الله علیه).
۱۵. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۲ق). *نجاه العباد*. تهران: بی‌نا.
۱۶. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۳ق). *ولایت فقیه و حکومت اسلامی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه).
۱۷. دلیلی، سعید و اسراری، نیشتمان (۱۳۸۳). *آشنایی با فارکس*. بی‌جا: بی‌نا.
۱۸. رسولی فتح‌آباد، نگین (۱۳۹۱). *جنبه‌های حقوقی معاملات فارکس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۱۹. رشتی نجفی، میرزا حبیب‌الله (بی‌تا). *کتاب الغصب*. بی‌جا: بی‌نا.
۲۰. شکاری، روشنعلی (۱۳۸۰). *شرح و ترجمه متون فقه*. بی‌جا: بی‌نا.
۲۱. شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۱۰ق). *اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیه*. بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیه.
۲۲. طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۱۵ق). *سؤال و جواب*. تهران: مرکز نشر العلوم الإسلامیه.

۲۳. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۱ق). حاشیه المکاسب. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۴. کمپانی، محمد حسین (۱۳۷۴ق). القواعد الفقہیة و الاجتهاد و التقليد (نهاية الدراية). قم: کتابفروشی سیدالشهداء (علیه السلام).
۲۵. کیخا، محمدرضا؛ نوری، سمیه و آل طاهما، سیدحسین (۱۳۹۷). «نگرشی نو بر حکم فقهی ربا در بیع معاطاتی». مجله کاوشی نو در فقه، ۹۷(۲۵).
۲۶. لطفی، علی (۱۳۸۵). شاخص های تکنیکال. تهران: نشر ترمه.
۲۷. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۸. مراغی، میر عبدالفتاح بن علی (۱۴۱۷ق). العناوین الفقہیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. مرعشی، محمدحسن (۱۴۲۷ق). دیدگاه های نو در حقوق. تهران: نشر میزان.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب.
۳۱. موسوی بجنوردی، حسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقہیة. تهران: نشر الهادی.
۳۲. یوسفی مقدم، عباس (۱۳۹۱). اصول کلی حاکم بر بازار بین المللی ارز. دانشکده حقوق و الهیات پیام نور مرکز تهران.

33. Betsy, Waters (2008). *Increase foreign exchange retai. Trading Markets. Com.*
34. Carmin, crig (2008). How is a poor money trader traveling? The interest rate at the price of the currency "Fraud du Jour" is among the legal holes. Dow Jones & Company.
35. Toedor, Bogdan (2015). "Risk dimensioning through technical analysis on the FOREX market: Case Study, pp. 1700-1706.

سایت ها

۱. عباسی، مهدی (۱۳۸۴). گوشه هایی از امتیازات بازار فارکس: www.irantej.com.
۲. فتاوی آیت الله مکارم شیرازی:
- www.makaremshirazi.org/persian/estefra/?&sid=17611
۳. پلیس فتا، فارکس و دلایل غیرقانونی شدن آن در ایران:
- news/3701/www.cyberpolice.ir
۴. پایگاه آگاه سازی و اطلاع رسانی جرائم اقتصادی در فضای مجازی:
- WWW.IRANHOSHDAR.IR